تریبون یک

روابط متقابل پدر و همکارانش

رامین معتمدنژاد
فرزند دکتر کاظم معتمدنژاد و استاد اقتصاد دانشگاه پاریس

گاهی من به شوخی به پدر می‌گفتم که جوازِ «علـوم/ارتباطات نام می‌برید نه «علم/ارتباطات. یکی از پروژه‌های پدر این بود که مقاله‌ای در این باره بنویسد و تشریح کند که چگونه رشته علوم ارتباطات پس از جنگ جهانی‌دوم شکل گرفت و تحولات مختلفی پیدا کرد. نکته دیگر این است که پدر بی‌تردید نخستین همراهان و همکاران برجسته و فرهیخته‌شان بودند که چندین دهه با پدر یک رابطه متقابل داشتند. یکی از نتایجی که بعد به آن رسیده بودند، این بود که حوزه ارتباطات را صرفاً از درون نمی‌شود ارزیابی کرد. به عبارت دیگر، باید از فاکتورها و عوامل بیرونی حوزه ارتباطات حرکت کرد و به خود ارتباطات رسید. اسم آن را می‌شد اقتصاد عمومی ارتباطات گذاشت؛ یعنی مجموعه گفتمان‌ها، معیارها، ارزش‌ها، نهادها و سیاست‌هایی که در روابط تنگاتنگشان به حوزه ارتباطات شکل می‌بخشند. به بارتولیت آن کمک می‌کنند تا آن را «جزء بحران» می‌کنند. به همین دلیل و بر اساس همین پروژه، پدر تحت‌تاثیر آثار هم‌کارانشان قرار داشتند. آثار آخر پدر نیز که تا حد زیادی به اتمام رسید اما هنوز چاپ نشده است، کار روی تاریخ مطبوعات ایران، از پایان دوره قاجار تاکنون بود.

«با هیوبون» آموزه معتمدنژاد

احمد میرعابدینی
پژوهشگر ارتباطات

نمی‌دانم شما آغای علمداری را می‌شناسید یا نه. هرسال نوروز، در لحظه‌های سال تحویل، تلفن می‌کنم به استاد تلفن کنید. تبریک بگویم. وقت بگیرم برای دیدار و اولین نفر باشم. در همان لحظه‌ها، مردی به من تلفن می‌کند. هر سال از نقاط دورست این سرزمین: آقای علمداری می‌گوید به استاد تبریک بگو، به ایشان سلام برسان. بگو سال‌ها قبل، خیلی زودتر از همه شماها من شاگردش بودم در کلاس حقوق دانشگاه تهران و کسی که مرا نکته‌ها آموخت تا پایان عمر او را مدیونم. او یکی از قدیمی‌ترین شاگردان است. حلا باخیر شده است. مثل همگی شاگردان دکتر معتمدنژاد یک ارتباط‌گر وجودی است؛ وجود ارتباطی؛ نقطه‌ای گم در فلسفه ارتباط ما ما درون را بنگریسم و حال آیا تو ذات اصیل ارتباط را به یادآور شد که چه امکانات نامحدودی دارد برای شفقت‌بخشی! البته آگاهانه. ساده و درست و چگونه ما را با معمای هستی آشنا می‌کند. اما دارایی‌ها در کاماند؟ این را یکی از سه روانشناس بزرگ زنده دنیای امروز، پاسخ را در دو عبارت آورده است که اهمیت ارتباط را نشان می‌دهد. او تمامی دارایی‌های انسان را در عبارت «با هیوبون» خلاصه می‌کند. دکتر معتمدنژاد کوشید به ما بیاموزد که ما جز هم، کس دیگری را نداریم.

اعتقاد معتمدنژاد به عدم‌ضرورت مجوز مطبوعاتی

محمد زاهدی‌اصل
دبیر مجمع صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه علامه و مدیرمسؤول «پیام‌امروز»

مولای ما در حکمت ۱۴۷ از نهج‌البلاغه می‌فرمایند: «قیمة‌کل‌امرئ ما یحسنه» (ارزش‌هر فرد چکیده تواناییهای اوست). دکتر معتمدنژاد یک استاد فرهیخته را آن هم در آن مقام منحصربه‌فرد، اینگونه در روزهای پایانی عمر رسمی خدمتگزارش، این طور مشایعت کنیم؟ یک انگلیسی که شاید به اندازه سه‌مترمربع هم نبود، از انسان دریغ شد. این چه مدیریتی است؟ شرمنده می‌شوم وقتی به این استاد را به یاد می‌آورم. این استاد فرهیخته اعتقاد راسخ داشت که مطبوعات نیازی به مجوز ندارند و با آخرین لحظه عمرش هم این نظرش باقی ماند. یکی از خاطرات من از استاد این روزهای که مجله «پیام امروز» راه افتاد، ایشان بسیار مشوق بود و زمانی که به دستور مرتضوی این نشریه تعطیل شدن، ایشان بسیار مناسب بود و مدام دلداری می‌داد. ایشان هم عالم و هم با اخلاق و منش‌ها در کارهای علمی و مطبوعاتی بود. مطمئنم که وجایگاه خود را بیدا کرده است. زمانی که از پیامبر اکرم(ص) نقل می‌شود که «فضیلت علم به از عابد. چون فضیلت من است به امتو و فضیلت علم بیشتر از عبادت است، چرا ما باید برگلمان را زمانی که دیگر نبستند، قدر بشناسیم؟ هستند بزرگان زیادی که زمانی که از دستشان می‌دهیم، می‌فهمیم که «از دست دادنیم چقدر ما باید مردیم»؟ پاشیم! شاید کمتر از یکهفته دیگر در سومین سال درگذشت دکتر عبدالهی هستیم و دیگر استادانی که می‌شناسیم بیاید قدری مغتنم‌تر باشیم.

تبدیل «بزرگداشت» به «یادبود»

محمدحسین پناهی
رییس دانشکده علوم‌اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

همه می‌دانیم که امروزه پیشرفت و توسعه کشورها مرهون و مربوط به موفقیت و مقام و موقعیت اندیشمندان و دانشمندان آن کشورهاست. اگر در گذشته کمتر جوامع موجود این موضوع بودند. اکنون با تمام شباهتی که وجود دارد، همه متوجه هستند که پیشرفت یک کشور به پیشرفت علم و دانش در آن کشور بستگی دارد و پیشرفت علم نیز به مقام دانشمندان بستگی دارد. بنابراین برگذاشت مقام اندیشمندان و عالمان، برگذاشت علم و دانش در کشور است و این نشان‌دهنده سطح توسعه و پیشرفت در یک جامعه می‌تواند باشد. در دین مبین اسلام هم برای اندیشمندان و عالمان جایگاه بسیار بالایی تصویب شده است. شاید یکی از برجسته‌ترین این احادیث این باشد که «قلم عالمان دانشمندان از خون شهدا ارزشمندتر است»، بنابراین کمترین کاری که می‌شد برای دکتر کاظم معتمدنژاد انجام داد، برگزاری مراسم برگذاشت در دانشگاه خودشان بود است. بنا بود که همایش برگذاشت دکتر معتمدنژاد در زمان حیات ایشان برگزار شود ولی متاسفانه قادر به گذشت ایشان موفقیت نشدیم و این همایش برگذاشت به همایش یادبود تبدیل شد.

میزگرد اول: ارتباطات

ارتباطات ایران در پیچ‌وخم‌های دشوار

میزگرد با موضوع ارتباطات، با حضور جهاد استاد ارتباطات و یک استاد جامعه‌شناسی در ساعت ۵:۴۵ بعدازظهر ۲۳ آذر برگزار شد. در این میزگرد، وضعیت حوزه ارتباطات در ایران بررسی شد و اداره جلسه برعهده دکتر مهدی محسنیان‌راد بود.

وضعیت منحصربه‌فرد ارتباطات در ایران

مهدی محسنیان‌راد
عضو هیات علمی دانشگاه امام‌صادق(ع)

ما وضعیتی کاملا منحصربه‌فرد در جهان در حوزه رسانه داریم؛ مثلا در هیچ تلویزیونی در جهان صدای موسیقی پخش نمی‌شود بدون اینکه آنتن موسیقی نشان داده شود. در هیچ کشوری، آنچه در قانون مطبوعات مشخص‌شده با آنچه اعمال می‌شود، این‌همه فاصله نیست. در هیچ کشوری درصد دانشجویان ارتباطات شاغل در رسانه‌ها چنین کم نیست. شبوه ارتباط در رسانه‌های ما دانشگاهی نیست بلکه تجربی است. در تمام طول ۳۵سال گذشته که تلویزیون به رادیو تبدیل شد و رادیو به خطابه، نیازهای ارتباطی جامعه ایران نادیده گرفته شده است تا حدی که مسوولان صداوسیما در سال‌های گذشته در جلسات خصوصی اعلام می‌کردند که تلویزیون ایران بخشی از بینندگان خود را از دست داده است. ما در ایران پدیده‌ای داریم به نام مرگ زودرس مطبوعات و به این معنی است که میانگین عمر مطبوعات در ایران بسیار پایین است. همچنین در هیچ کشوری مثل ایران شاهد اینگونه اصرار بر انحصاری‌بودن رادیو و تلویزیون نیستیم. دکتر معتمدنژاد از اینکه فقط تابلوی دانشکده ارتباطات به دیوار نصب شده اما عملی در این زمینه صورت نمی‌گیرد، رنجیده‌خاطر بود.

در زمان انقلاب فرهنگی، دانشکده علوم ارتباطات عملا تعطیل شد و روزی که همراه دکتر معتمدنژاد به ستاد انقلاب فرهنگی رفته بودم و ایشان در ضرورت وجود رشته ارتباطات سخن گفتند، مسوولان وقت اعلام کردند که این رشته را آمریکایی‌ها آورده‌اند و اصلا ارتباطات رشته علمی نیست. بنابراین دانشکده منحل شد و اتاق بزرگ دکتر معتمدنژاد را در طبقه چهارم دانشکده علوم اجتماعی به سالنی منتقل کردند که یکمیز داشت و هشت‌صندلی. هم دوش بود و تا مدت‌ها وضاع برای گروه ارتباطات به همین گونه بود. راحل این است که این دانشکده به حالت اول خود بازگردد و به دانشکده علوم ارتباطات، مثل سابق، تبدیل شود. راحل دیگر برای ساماندهی وضعیت ارتباطات در ایران نیز این است که از نظر حرفه‌ای، باید میثاق حرفه‌ای یکپارچه مطبوعات، رادیو و تلویزیون تصویب شود تا ارتباطات به تدریج به حالت طبیعی خود بازگردد. زمانی که میثاق حرفه‌ای مطبوعات نوشته می‌شد، می‌ترسیدیم که چرا این را تبدیل به میثاق حرفه‌ای رسانه‌ها نمی‌کنید. دکتر معتمدنژاد می‌گفتند که میثاق حرفه‌ای حاوی مواردی است که همین مطبوعات که حساسیت دارند به نام رسانه و یکنواربد از همین مطبوعات که حساسیت دیرباره‌ای کمتر است، شروع کنیم. اما بنده عرض می‌کنم که طرح دکتر معتمدنژاد این بود که چنین میثاقی برای همه رسانه‌ها باشد.

اخلاقی‌بودن، عین پروژه معتمدنژاد

محمدامین قانعی‌راد
رییس انجمن جامعه‌شناسان ایران

ارتباطات را به دو معنای ارتباطات معرفتی و ارتباطات اجتماعی می‌توان طبقه‌بندی کرد. در جامعه‌های که امکانات ارتباطات معرفتی وجود نداشته باشد، امکان ارتباطات اجتماعی هم نیست. دکتر معتمدنژاد در ۵۰سال پیش، به‌طور هوشمندانه‌ای چرخش در نظریه معرفتی و اجتماعی ارتباطات را متوجه شدند. ایشان در سال‌هایی که تحولات ۱۹۶۸ رخ می‌داد، در فرانسه بودند و به خوبی نتایج را شناختند و بعد از آن که به پیشگیری ایشان، ارتباطات در ایران ارتباطات به وجود آمد. اینکه چطور متوجه این چرخش معرفتی شدند، شاید به این ربط داشته باشد که ایشان بین رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و روزنامه‌نگاری در رفت‌وآمد بودند. در روزگاری که روزنامه‌نگاری، کاری روشنفکری محسوب نمی‌شد، او رشته حقوق را رها کرد و به روزنامه‌نگاری با گذاشت. او البته حقوق را رها نکرد و تا آخر حقوقدان ماند اما حقوق را به سطح نظام اجتماعی کشاند و تبدیل به اخلاق حرفه‌ای و حقوق رسانه‌ای و حقوق ارتباطی کرد. یکی از ویژگی‌های شخصیتی ایشان که مدام از آن یاد می‌شود، اخلاقی‌بودن ایشان است. اخلاقی‌بودن برای دکتر معتمدنژاد زاییدهای برای پروژه‌ایی نبود بلکه عین پروژه‌ایش بود؛ او می‌خواست اخلاق را در جامعه رواج دهد و تصورش این بود که با حقوق و سیاست نمی‌شد به‌عنوان یک روشنفکر کار چندانی انجام داد. نمی‌دانم از چه زمانی ایشان وارد وادی روزنامه‌نگاری شد می‌توان این را یک اتفاق تاریخی دانست که البته نه به نفع همه ما تمام شد.

درباره وضعیت ارتباطات در ایران، باید به سیر حقابی این رشته با به سوء حق نسبت جامعه‌شناسی و ارتباطات صحبت کرد. موج اول زائر آمریکایی و زائر آلمانی ارتباطات بازمی‌گردد که اولی بر جامعه‌شناسی ارتباطات تمرکز دارد و به فرهنگ پاپ و افکار عمومی به جای نخبگان توجه دارد و دومی به جامعه‌شناسی معرفت تأکید بر نخبگان و تحلیل طبقاتی می‌پردازد. در موج دوم، جامعه‌شناسی در یک طرف قرار می‌گیرد و ارتباطات در یک طرف و جداگانه مسایل را تحلیل می‌کنند. در موج سوم، ما در جامعه‌شناسی با یک چرخش ارتباطی مواجهیم و در ارتباطات با چرخشی معرفتی. در زائر ارتباطی‌ای که دکتر معتمدنژاد می‌می‌گرفت، روشنفکر، بیشتری نقش خود را از دست می‌دهد و به جایش زورنالیست می‌نشیند. در حقیقت، روزنامه‌نگاری یک پیش‌بینی شده است. شاید یکی از برجسته‌ترین این احادیث این باشد که «قلم عالمان دانشمندان از خون شهدا ارزشمندتر است»، بنابراین کمترین کاری که می‌شد برای دکتر کاظم معتمدنژاد انجام داد، برگزاری مراسم برگذاشت در دانشگاه خودشان بود است. بنا بود که همایش برگذاشت دکتر معتمدنژاد در زمان حیات ایشان برگزار شود ولی متاسفانه قادر به گذشت ایشان موفقیت نشدیم و این همایش برگذاشت به همایش یادبود تبدیل شد.

رسانه‌ها؛ ناتوان در کاهش تنش

مسعود کوثری
مدیرگروه ارتباطات دانشگاه تهران

ما یک انفجار بی‌معنایی زودرس در جامعه ایران مواجه شده‌ایم. روزنامه‌های ما شکل روزنامه‌های گیهاهی را پیدا کرده‌اند که اگر روزی خبری باشد، آنها خوانده می‌شوند و اگر خبری نباشد، کاغذهای رنگینی هستند که روی دکه‌ها می‌مانند؛ یعنی گاهی و به‌صورت اتفاقی خوانده می‌شوند. همین‌طور شاهد روزنامه‌نگاری موبایلی و پنتسیری هستیم که مصاحبه‌کننده اصلا از فضا روزنامه خارج نمی‌شود و به‌صورت روورو با مصاحبه‌شونده روبه‌رو نمی‌شود تا حرکات چهره و ارتباطات غیرکلامی و را حس کند. بنابراین بیش‌آزمیش به سوی بی‌معنایی می‌رود. در حوزه رادیو و تلویزیون نیز با یک جامعه دغرای مواجهیم که تلویزیون نمی‌تواند این ثرات را به هم بپوند بدهد. رسانه‌های ملی ماجرای فیسبوک لیوی و سیم و خانم مجری در مراسم قرعه‌کشی جاجوهایی رخ می‌دهد. همچنین ما شاهد رسانه‌های زیرزمینی که بیشترین موج‌های رسانه‌ای را ایجاد می‌کنند و مدام در این اوضاع می‌شود این سول را مطرح کرد که آیا رسانه‌های فعلی ما دارای کارکردهای اسطبخیش هستند؟ رسانه‌ها انتظار دارید، هستند. در حقیقت، ما یک جامعه پرتنش دغرای داریم که رسانه‌ها قادر نیستند آن را از تنش خارج کنند. دیرباره تلاش‌های دکتر معتمدنژاد نیز باید گفت، ایشان در دوره‌ای واژه عرصه ارتباطات شدند که پارادایم نوسازی در جهان حاکم بود و می‌بینیم که فضا و نوع نگاه به رسانه‌ها بسیار از جهان پارادایم متاثر است من فکر می‌کنم که برای جامعه ایران باید وارد پارادایم جدیدی شویم و به یک نسبت جدید بین رسانه و جامعه برسیم که در پارادایم نوسازی ملاحظه نشده است. دکتر معتمدنژاد در تمام عمرشان حتی در زمانی که جامعه ارتباطات را مطرح می‌کنند، آن را در قالب انجمع سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان حق ارتباط تعریف می‌کنند. می‌شناسانند. اما به نظر می‌رسد که این حق ارتباط را با توجه به شواریط ایران باید مورد چالش قرار بدهیم.

ضرورت تشکل فراگیر ارتباطات

محمد سلطانی‌فر
مدیر تحقیقات رسانه‌ای مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص‌مصلحت‌نظام

چند ویژگی را از دکتر معتمدنژاد می‌توان وام گرفت که برای ارتباطات ایران بسیار مناسب است. ایشان هیچ‌گاه وارد فضای قدرت نشدند. با وجود اینکه با تفکرات برخی دولت‌ها قرابت قرار داشتند، هیچ‌گاه در کنار قدرت‌ها قرار نگرفتند و اعتقاد داشتند که رسانه‌ها قدرت ضدقدرت هستند به این شرط که از این قدرت بتوانند خوب استفاده کنند. قدرتی هستند که شاید در حکومت‌ها و ساختارهای حکومتی شکل گیرد و می‌خواهند آن را اعمال کنند برخی از همکاران ما شاهد بودند که دکتر معتمدنژاد خواهان این بودند که واحدهای کوچک‌تر رشته‌های دانشگاهی و انجمن‌ها تحت یک چتر بزرگ‌تر و انجمن قدرتمندتری قرار گیرند. این از خواست‌های مهمی بود که اگر عملی شود و دانشجوها و جزایر کوچک در خود جمع شوند، می‌توان در زمان‌هایی که لازم است و حوزه ارتباطات با بحران مواجه است، قدرتی داشته باشیم. این کمک به وجود می‌آید به این ترتیب است که مثلا می‌توانیم قانون مطبوعات را تدوین کنیم یا جلوی سوءاستفاده‌هایی را که احزاب از رسانه‌ها انجام می‌دهند، بگیریم.

سلامی دوباره به حلقه وصل ارتباطات ایران

سعید ارکان‌زاده‌یزدی

همایش گرامیداشت کاظم معتمدنژاد برگزار شد

عکس: امیر حیدری‌نژاد

مراسمی که بنا بود برای گرامیداشت مقام علمی دکتر کاظم معتمدنژاد برگزار شود، به مراسم یادبود و تبدیل شده بود؛ دکتر معتمدنژاد در روز ۱۴آذر درگذشت و به‌طور اتفاقی، برنامه‌ای که هفته‌ها پیش برنامه‌ریزی شده بود، در هفتمین شب درگذشتش برگزار شد. از ساعت ۵:۴۵بعدازظهر ۲۳ آذر، مراسمی شروع شد که تا پس از ساعت هشت‌شب ادامه داشت و در این شش‌ساعت، دانشجویان اعضای هیات علمی و کارشناسان ارتباطات و نیز اعضای خانواده دکتر معتمدنژاد را در سالن اجتماعات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه‌طباطبایی گردهم آورد.

مراسم ابتدا با پخش کلیپی درباره خدمات دکتر معتمدنژاد آغاز شد و سپس اولین سخنران هادی خلیلی بود که دبیر علمی همایش به شمار می‌رفت و عملا برنامه‌ریزی آن را هم بر عهده داشت. خلیلی با یادی از معتمدنژاد آغاز کرد و این یاد، تقریبا در سخنرانی همه سخنرانان پس از او نیز ادامه داشت. خلیلی اعلام کرد که از این پس بنامت مراسمی سالانه برای بررسی علمی مسایل مربوط به ارتباطات ایران، به نام و یاد دکتر معتمدنژاد برگزار شود. پس از او، احمد مسجدجامعی، رییس شورای شهر تهران و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره اصلاحات سخن راند و از خاطرات مستقیمی گفت که از دکتر معتمدنژاد داشت. در این مراسم، علاوه بر دانشجویان و اعضای هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی، حسین سلیمی، رییس دانشگاه علامه‌طباطبایی، سیدمحمود دعایی، مدیرمسوول روزنامه اطلاعات، حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، حسام‌الدین آشنا، مشاور فرهنگی رییس‌جمهور و اعضای انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی و انجمن جامعه‌شناسان ایران نیز حضور داشتند. این سه انجمن به‌همراه دانشگاه علامه‌طباطبایی در برگزاری مراسم نکوداشت دکتر معتمدنژاد همکاری داشتند و البته میزبان اصلی، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات بود.

حسام‌الدین آشنا در سخنرانی خود، برای لحظاتی احساساتی شد و از اینکه وجود اتاقی برای دکتر معتمدنژاد در دانشکده تحمل نشده بود، به گریه افتاد. او تاکید داشت فشارهای سیاسی رشته ارتباطات را محافظه‌کار خواهد کرد. تصرانلله جهانگرد دشت ترببون رفت و از تلاش‌های دکتر معتمدنژاد برای حضور موثر ایران در دو اجلاس جامعه اطلاعاتی در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ گفت. سپس بیانیه انجمن ایران مطالعات فرهنگی و ارتباطات خوانده شد که دکتر عبدالله گیویان، عضو هیات علمی دانشکده صداوسیما آن را نوشته بود. احمد میرعابدینی، پژوهشگر ارتباطات که استاد راهنمای پایان‌نامه دکترای ارتباطات دکتر معتمدنژاد بود، سخنران بعدی بود و به گفته خود، سخنرانی‌ای آیینی ارایه کرد. پیام دکتر نعیم بدیعی از نشست نقد اثر چه در سال‌های دهه ۶۰، همکار دکتر معتمدنژاد بسود و با همکاری او بود که رشته ارتباطات پس از انقلاب فرهنگی احیا شد. حسین بصیری‌جوهری که از دانشجویان دکتر او و شاهد آخرین نیمسال تدریس دکتر معتمدنژاد در دانشکده علوم اجتماعی بود، سخنرانی بعدی را ارایه کرد.

همزمان با مراسم نکوداشت دکتر معتمدنژاد، کتاب یادبود او به شرکت‌کنندگان در همایش ارایه و همچنین اعلام شد که در همان روز از سایت آثار و تالیفات دکتر معتمدنژاد نیز رونمایی شده است. محمد زاهدی‌اصل پشت تریبون آمد و گفت که ارایه‌کنه در آخرین سال‌های تدریس دکتر معتمدنژاد با برخورد خوبی نشده، شرمنده است. زاهدی‌اصل مدیرمسوول ماهنامه «پیام امروز» بوده که در دوره اصلاحات، توقیف شد و اکنون دبیر مجمع صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی است که پس از سال‌ها احیا شده است. در برنامه سخنرانی درج شده بود که حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد نیز صحبت خواهد کرد اما به دلیل پاسخگویی به مجلس، زودتر از جمع خداحافظی کرد.

رامین معتمدنژاد سخنرانی کرد و در ابتدا گفت سال‌هاست اعضای خانواده معتمدنژاد اخلاقی نمی‌دانند درباره دکتر کاظم معتمدنژاد صحبت کنند. سپس به موارد‌ی از زندگی علمی او اشاره کرد. رامین معتمدنژاد استاد اقتصاد در دانشگاه پاریس است. دختر دکتر معتمدنژاد، رویا نیز عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه علامه‌طباطبایی است که در تدوین کتاب‌هایی در زمینه حقوق ارتباطات با بدرش همکاری داشته است. پس از سخنرانی رامین معتمدنژاد، کلیپی از مراسم خاکسپاری دکتر معتمدنژاد و سخنان شاگردان و همکارانش پخش شد. همایش نکوداشت به دلیل فشردگی برنامه‌ها و طولانی‌شدن سخنرانی‌ها، با یک ساعت تاخیر کار خود را ادامه می‌داد. در وقت بدیرایی، بسیاری از استادان و دانشجویان قدیمی ارتباطات دانشگاه‌علامه را می‌شد مشاهده کرد.

پس از بدیرایی در سالن سرویس دخترانی در زیرزمین دانشکده‌ای که دکتر معتمدنژاد در سال ۱۳۴۶ اسسانه آن را نوشته بود و در سال‌های بحرانی انقلاب رییس آن بود، سه میزگرد با موضوعات ارتباطات، روزنامه‌نگاری و جامعه اطلاعاتی برگزار شد. بسیاری از استادان شرکت‌کننده در این میزگردها، گسانی بودند که سال‌ها در دانشکده علوم اجتماعی درس داده بودند. نبودن زنی از نفوذ معنوی راننسان می‌داد که گاهی به اقتداری تبدیل می‌شد که کسی جرات نمی‌کرد در برابر خولست‌ها بگوید. اما این پیروی از دل و جان بود. به همین جهت، بود که دکتر معتمدنژاد در پیروی از اهدافی که دنبال می‌کردند، بسیار سرسخت بودند و این خلا رهبری را نمی‌دانم باید چه کنیم و مابه نگرانی است.

معتمدنژاد «آغاز»؛ نه «پایان» راه

هادی خانیکی
دبیر علمی همایش بزرگداشت دکتر معتمدنژاد

بنا بود که روز اول هفته پژوهش، ۲۳آذر، به همت انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات و همکاری انجمن ایرانی جامعه اطلاعاتی و انجمن جامعه‌شناسی ایران و دانشگاه علامه‌طباطبایی، همایش یکروزه‌ای با عنوان نکوداشت استاد دکترکاظم معتمدنژاد زمینه‌ها و مسایل مطالعات ایرانی ارتباطات و فرهنگ برگزار شود. گرگ عجل شایندترم از خواست و اراده دوستداران دانش و پژوهش و شیفتگان ادب و اخلاق بود. مرگ، پیکر رنجور و را در نیمه‌روز پنجشنبه ۱۴آذر هم‌آغوش خود کرد و ببر خرد ارتباطات نوین از بین رفت. در ۱۶آذر که روز جوشش هویت و حقیقت در جان دانشجویان ایرانی و روز سوگ جهانی مرگ مادلا مظهر آزادی، اخلاقی برای آزادی و آشتی بود، از دانشکده ارتباطات که خانه دومش بود، تشییع شد. نکوداشتش به عمرش وفاداره و تلاش آن اله می‌خواهد بنا علمی او را هر چه تا غنی از دانش، پژوهش، تخصص و کار خرفای همت، زنده نگاه دارند. در نیمه راه بمانند. در این روزها و با فشردگی و کار بی‌زمان و مکان، جمعی از شاگردان و دوستداران دور و نزدیک استاد، این نشست را در میانه قدوه و اندیشه شکل دادند تا منا خود او حقله وصلی باشد. میان دانشگاه نهادهای علمی و تخصصی و جامعه این نشست مهم خدمتی بزرگ بدر ارتباطات نیست بلکه آغازی است برای گسترش و ارتقای دانش ارتباطات بر پایه آرزو و عمل استاد دکتر معتمدنژاد این بزرگداشت صورتی سه گانه دارد: هر بزرگداشت در جایگاه رسمی، هم باید لوست در اندیشه و هم طرح آرا و آثار لوست در حوزه علمی و تخصصی این بزرگداشت را باید در امتداد همایش نکوداشت استاد در سال ۱۳۸۳ تعریف کرد و اقدام ارزنده دانشکده علوم اجتماعی و دانشگاه علامه‌طباطبایی و مدیریت فوق‌ا بود نه تهاد، در آن ایام را ستود. در آن ایام، لوح تلسیس دانشکده را به یاد استاد بر دیوار دانشکده نصب شد. اگرچه ما غیار سیاستزدگی بر روی آن نشست و این آرزوی او گرفتار تعویق و تعلیق شد. اما خوشبختانه باز به همت مدیریت دانشگاه و دانشکده، تاسیس دانشکده ارتباطات مجددا در دستور کار قرار گرفته است. موسسات و نهادهای دولتی و عمومی و علمی و پژوهشی در سطوح ملی و منطقه‌ای در این سال‌ها به نکوداشت دکتر معتمدنژاد برداخته‌اند اما هنوز جای خالی برای پرداختن به فشار و اذیت مردی که از «مود» بیرجند تا بوئنوس و پاریس سرشناس بود و تاثیرگذار، باقی مانده است. بر گرازی نشست نکوداشت استاد، ارباب پاسخ گفتن به همین ضرورت است. ما می‌خواهیم این نشست بهانه‌ای باشد برای توجه به حفظ تاریخچه‌ندی دانش ارتباطات و نامنهاگذاشتن پروژه دانش ارتباطات در ایران می‌خواهیم وجدان علمی استادان، محققان و دانشجویان این حوزه با نام و یاد او بیدار شود که اعتبار او شناسانه او، شناسانه علوم نوین ارتباطات در ایران است. می‌خواهیم کارهایی را که او کرد ادامه دهیم و کارهایی را او نکرد، ساماں دهیم. ما می‌خواهیم همچنان به یاد او، کارهای علمی را ادامه دهیم. می‌خواهیم که جایزه‌ای علمی و ملی و حتی بین‌المللی به نام او طراحی شود و در قالبی مستقل و معتبر انجام شود. در این راه، نشانزده عمل نمی‌کنیم و مصادره به مطلوب هم نمی‌کنیم؛ می‌خواهیم این اندیشه را زنده نگه داریم که به نام او می‌توان در بوئنوس، در جشنواره خوارزمی، در جشنواره مطبوعات و در همه نهادهای علمی و تخصصی، کاری که تالیفات، پژوهش‌ها، مقالات و کتاب‌های برتر هر سال معرفی شوند. می‌خواهیم این نشست هر سال در هفته پژوهش به‌گونه‌ای تکرار شود و استقبال می‌کنیم که همکاران ما در دانشگاه‌های دیگر این کار را سامان دهند. می‌خواهیم آثار ناتمام، درسنامه‌ها، مقالات و کتاب‌های او به همت خانواده و صاحبنظران این حوزه انتشار یابد. می‌خواهیم همان گونه که از حلقه و سوال بود، بین نهادهای دولتی، علمی و حرفای نزدیکی و قرابتی به وجود آید تا تحت هر عنوانی بتوان به نام او جزان که در جهان مرسوم است. این اندیشه زنده بماند. ما نیاز داریم که از دکتر معتمدنژاد استادی متاسب و غیرقابل نقد معرفی کنیم و دانش ارتباطات را به آنچه او آورد، محدود و محصور کنیم. ما می‌خواهیم او را در آنان این راه معرفی کنیم نه در پایان راه. ما می‌خواهیم از شخصیت اخلاقی او به عنوان الگو و وسیله بود برای نزدیک‌کردن دل‌های پریده استفاده کنیم و فاصله‌ای را که بین دانش ارتباطات و پژوهش ارتباطات است، نزدیک کنیم.

میزگرد با موضوع جامعه اطلاعاتی، با حضور چهره‌های مهم انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی در ساعت ۱۹ بعدازظهر ۲۳ آذر برگزار شد. در این میزگرد، به اهمیت جامعه اطلاعاتی در ایران پرداخته شد و دکتر حسین ابراهیم‌آبادی جلسه را اداره می‌کرد.

توصیه معتمدنژاد به تعامل با دولت‌ها

حسین ابراهیم‌آبادی
عضو هیات علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دکتر معتمدنژاد با تمام انتقادهایی که به دولت‌ها داشت، وقتی که با ایشان درباره وضعیت جامعه اطلاعاتی در کشور صحبت می‌کردیم، می‌گفتند که اینده ایران در گرو همکاری بخش خصوصی، دولت و نهادهای مدنی است چون بدون این همکاری نمی‌شود کار و جامعه را به توسعه نزدیک کرد. مثال می‌گفتند که از پروژه دولت الکترونیک باید حمایت کرد، هرچند که نواقصی هم دارد در ذهن ایشان چنین بود که زبان گفتوگو و سازگاری کننده‌اند باید از سوی نهادهای مدنی شکل بگیرد. خود ایشان نیز به‌طور عملی در این زمینه نقش‌آفرینی می‌کردند و وقتی به نزد دولتمردان می‌رفتند و به ما به ایشان می‌گفتیم که معلوم است که از جلسات و دیدارهای اینچنینی به نتیجه‌ایی نخواهیم رسید، می‌گفتند که ما باید وظیفه خود را انجام دهیم و نظرانمان را به دولت بگوییم؛ چه آنان به این نظرات توجه کنند و چه توجه نکنند.

نوظهورهای معتمدنژاد در بازشویان

شهیندخت خوارزمی
نایب‌رییس انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی

من دکتر معتمدنژاد را از سال‌ها پیش از انقلاب می‌شناختم اما همکاری نزدیک با ایشان در چند سال اخیر در انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی میسر شد که خود آنجا را تاسیس کردند و از زمان تاسیس شاهد بودم که چه عشقی به این انجمن داشتند تا موفق شود و به اهداف خود برسد. شاید در دانشگاه‌ها دانشجویان کمی باشند که دو سند اساسی جامعه اطلاعاتی، یعنی اعلامیه جهانی اطلاعات و اعلامیه اقدام‌های ۱۱ گانه را دقیق مطالعه کرده باشند اما دکتر معتمدنژاد این سندها را چقدر خوانده بود و تلاش می‌کرد انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی به‌عنوان یک نهاد تاثیرگذار، راه برای توسعه جامعه اطلاعاتی باز کند. گفته شده است که جای یک پارادایم جدید برای توسعه ایران خالی است اما در دو سند اساسی جامعه اطلاعاتی، گفته‌ایم تون یک پارادایم جدید را دید که پارادایم توسعه را در اختیار همه آنسان‌ها، بهویژه آنسان‌های محروم در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از طریق ICT قرار می‌دهد. دو نقدنده شعن مر درباره دکتر معتمدنژاد را نکرده است. اولین دغدغه‌ایی درباره استاد و تاثیر وجودی او بوده است. ایشان می‌گفتند که ما تمام انرژی‌مان را باید بگذاریم تا جامعه اطلاعاتی دقیقا طبق آنچه در این دو سند تاکید شده، مستقر شود. ما اکنون به هیچ‌چه نمی‌توانیم ابداعا کنیم که آرمان‌های دکتر معتمدنژاد محقق شد مگر اینکه شاخص‌های توسعه جامعه اطلاعاتی به حد مطلوب برسد. دکتر معتمدنژاد نقش یک پل ارتباطی بین جزیره‌های منفک حوزه‌های علمی اجتماعی و حتی فراتر از آن را انجام می‌دادند. در تاسیس انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، مهم‌ترین حوزه‌های آن را در کنار عزیزانی قرار دادند که حمرای هنری ما نامرین بین قلمروهای ارتباطات کشیده بودند. حوزه جامعه اطلاعاتی هم پدیده‌ای فراگیر است که همه قلمروهای مختلف را درب می‌گیرد. بنابراین اگر می‌خواهیم ایران به یک تشکل فراگیر برسد که گاهی مبتلا می‌شود، باید فراتر از دانشکده‌ها و ارتباطات باشد و خواهش من این است که خول همین تشکل، انجمن ایرانی جامعه اطلاعاتی، گنجانده شود. من شک ندارم که اگر دکتر معتمدنژاد نبودند، این تشکل محال می‌شد. در این مدتی هم که حضور فیزیکی نداشتند، فعالیت انجمن عملا متوقف شده بود. اگر به مفهوم جامعه اطلاعاتی نگاه کنیم می‌ب